

## سببیت تمکین یا عدم سببیت تمکین در پرداخت نفقه

محمد جواد جعفری<sup>۱</sup>، علی پاشاه خانی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار دانشگاه آزاد کرمانشاه

<sup>۲</sup>دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد کرمانشاه

---

### چکیده

تأمین هزینه و گذران زندگی خانواده از مهمترین وظایف زوج و از حقوق مسلم زوجه بوده که زوج در هر شرایطی باید نسبت به تهیه و پرداخت آن اقدام کند، وگرنه با الزامات قانونی روبرو خواهد شد و این امر باعث امتیازاتی برای زوجه در رابطه با تصمیم به ادامه زندگی دارد در حقوق ایران دارد. عده ای از فقها معتقدند انفقه و بعضی دیگر قائل به قواعد تکمیلی می باشند و زوجین می توانند با توجه به توافق مقدار نفقه را معین کنند. در این مقاله به مباحثی چون نفقه و ارتباط آن با ریاست شوهر و تمکین، بررسی قوانین مدنی، مبنای الزام به انفاق، موارد سقوط و ضمانت اجرای انفاق، مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** تمکین، ازدواج، نفقه، زوج، زوجه، ریاست شوهر، طلاق، حق، تکلیف، ضمانت اجرا.

---

**مقدمه**

در قانون خانواده ایران و دکترین فقهای اسلامی با توجه به اینکه ریاست خانواده با زوج می باشد، باید توانایی پرداخت نفقه و خرج و مخارج زوجه و فرزندان را تهیه و در اختیار آنها قرار دهد، و تهیه معاش از وظایف قانونی وی بوده و در صورت قصور با ضمانت اجرایی روبرو خواهد شد بطوری که بنیاد خانواده را بخطر انداخته و هر لحظه احتمال فروپاشی و سرگردانی چندین نفر در جامعه را رقم خواهد زد. در این میان جامعه است مه متضرر گشته، و زمینه جرم و جنایت در آن فزونی میابد. در این مقاله موجب ترک انفاق و ضمانت اجراهلی آن بطور مختصر شرح داده شده است، امیدوارم مورد توجه و عنایت، اساتید و صاحب نظران قرار گرفته و بدینوسیله بتوان از فروپاشی خانواده ها جلوگیری نمود.

**سببیت تمکین یا عدم سببیت تمکین در پرداخت نفقه****۱- تعریف لغوی نفقه**

نفقه به معنای «آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش». (دهخدا، ۱۳۴۷: ص ۶۷۳). همچنین در تعریف دیگری آمده است: «ما انفقت و استنفقت علی العیال و نفسک»، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ص ۱۷۷) یعنی آنچه برای خود و خانواده هزینه می شود.

**۲- تعریف اصطلاحی**

تعاریفی که در فقه ارائه شده اغلب همراه با ذکر مصادیق می باشد. بدین جهت اکثر اختلاف ها به مصادیق برمی گردد. در جواهرالکلام آورده شده است: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسائل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد». (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۳۰) فقها دیگر، انواع دیگری به اظهارات نجفی اضافه نموده اند، مانند وسائل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۴۶۹) مفهوم نفقه یک مفهوم کاملاً عرفی است زیرا تمام آیاتی که در رابطه با نفقه نازل شده اند، آن را به عرف حواله داده اند، مانند: "عاشروهن بالمعروف" (نساء، ۱۹). "فامساک بالمعروف او تسریح باحسان" (بقره، ۲۲۹) "علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف" (بقره، ۲۳۳). کلمه معروف در برخی تفاسیر به معنای امور متعارف تفسیر شده است. چنان که بعضی مفسرین در تفسیر آیه «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» آورده اند: "منظور از رزق و کسوه خرجی و لباس است و خداوند تبارک و تعالی این خرجی را مقید به معروف نموده، یعنی متعارف از حال شوهر و همسر، همچنین مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه مادری که به بچه شیر می دهد به عهده اوست. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۶۰) و در تفسیر "عاشروهن بالمعروف" چنین بیان شده: معروف به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و انکار نکنند و بدان جاهل نباشند. (همان، ص ۴۰۴)

**۳- تعریف حقوقی نفقه**

قانون مدنی نفقه را بطور صریح تعریف ننموده. ولی در ماده ۱۱۰۷ ق.م. همه نیاز های متعارف و متناسب با وضعیت زن را بر شمرده است، و نفقه را به این گونه بیان نموده است: "نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا" ولی بعضی از حقوقدانان، تعاریفی از نفقه نموده اند و معتقدند: "چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد". (صفایی و امامی، ۱۳۷۴: ص ۳۹۳) برخی دیگر در تعریف جامع تری چنین آوردند: "نفقه تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است" (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷)

**۴- اقسام نفقه**

فقه و حقوق ایران از دو نوع نفقه نامبرده شده است.

۴-۱- نفقه زوجه: مخارجی که شوهر باید به همسر خود پرداخت کند.

۴-۲- نفقه اقارب: وجوه ولوازمی که شخص در حالت نیازمندی والدین و فرزندان باید برای ادامه زندگی تا خروج از عسر و حرج باید به آنها پرداخت نماید.

**۵- مبانی نفقه در فقه**

سؤال که مطرح می شود این است که چه رابطه‌ای بین نفقه و تمکین وجود دارد؟ برای پاسخ این سوال اول باید مبانی الزام به نفقه مورد موشکافی قرار گیرد. در مورد این از نظریه فقهای شیعه استفاده نموده بشرح ذیل به اختصار بیان می گردد.

**۱-۵- رابطه نفقه با تمکین خاص**

بیشتر فقیهان تشیع تمکین را مانند عوض در برابر نفقه قرار داده و نفقه را به شرط تمکین زوجه در عقد دائم قراردادده اند. (حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۵۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۴۶۵؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۳۴۷) صاحب ریاض هم نفقه را همانند عوض معاملات در مقابل تمکین می داند. (طباطبائی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۱۶۵) البته دلیلی بر این اظهارات خود ارائه نداده و فقط شهرتی است بین فقها و هیچ آیه و روایتی که دلالت بر این شرط داشته باشد، وجود ندارد. (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۰۴) برخی معتقدند نفقه در مقابل حق ریاست یا سرپرستی شوهر بر خانواده دارد می باشد که در فقه به "حق الطاعة" تعبیر شده است. همان طور که صاحب جواهر چنین برداشتی داشته است (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۰۶)

"تمام ادله ای که در باب حقوق زوج بر زوجه و حقوق زوجه بر زوج وارد شده، انصراف به موردی دارد که زوجه داخل در فراش و سرپرستی شوهر شده و تحت اختیار و ریاست او قرار گرفته است... و زوجه ای که در خانه پدرش است را شامل نمی شود. (اراکي، ۱۳۷۷: ص ۷۴۵).

**۲-۵- مبانی حقوقی نفقه**

در ماده ۱۱۰۶ ق.م. تکلیف نفقه و تأمین هزینه خانواده بر عهده شوهر نهاده شده است. و توافق بر خلاف آن باطل می باشد ولی در عقد منقطع الزام به به پرداخت نفقه نیست و فقط در صورتی شرط شده باشد نفقه آینده زن بعهده مرد است. "قانون مدنی در این باب حکم صریحی ندارد و در فقه نیز اتفاق نظر نیست ولی از لحن مواد ۱۱۰۲ ق.م. به بعد برمی آید که قانونگذار تمکین را شرط استحقاق زن نمی داند و نشوز را مانع آن می شمارد؛ زیرا به موجب این ماده همین که نکاح به طور صحت واقع شود، رابطه زوجیت بین طرفین محقق می شود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می شود. یکی از این تکالیف، الزام مرد به دادن نفقه است، جز این که مطابق ماده ۱۱۰۸ ق.م. نشوز زن این الزام را از بین می برد" (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۶) و در تأیید آن به مفاد بخشی از رأی پرونده شماره ۳۹/۱ شعبه ۲۷ دادگاه شهرستان تهران در این باره توجه می دهد: "نظر به این که به موجب عقدنامه رسمی شماره ۴۰۵۱ وجود رابطه زوجیت بین خواهان و خوانده از تاریخ ۱۳۳۴/۸/۱۸ به بعد محرز است، بنابر این خوانده به موجب ماده ۱۱۰۶ ق.م. موظف به پرداخت نفقه خواهان می باشد". (همان) در این رأی استحقاق زن نسبت به نفقه بشرط تمکین لحاظ نگردیده است و به همین انگیزه نیز دادگاه نیازی به اثبات آن احساس نکرده است.

حقوقدان دیگر با استناد به ماده ۱۱۰۶ ق.م. اظهار می دارد: زن در اثر عقد مستحق نفقه می شود و نشوز مانع استحقاق نفقه است و چنانچه زن با ارائه قبالة ازدواج تقاضای نفقه نماید، شوهر ملزم به پرداخت می باشد، مگر این که نشوز زن را اثبات نماید. (امامی، ۱۳۷۰: ج ۴، ص ۴۵۶)

"زن و شوهر باید در اداره خانواده یکدیگر را یاری کنند. ولی چون ریاست این گروه را مرد عهده دار است، قانونگذار او را موظف به تأمین معاش خانواده می داند". (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۳) این حقوقدان در ادامه اظهار می دارد: دشوار است که حق ریاست شوهر و الزام وی به پرداخت نفقه را دو تعهد متقابل در عقود معاوضی باشد، بلکه قطع نفقه فقط کیفر زن ناشزه است.

(همان، صص ۱۸۵-۱۸۴) در ماده ۱۰۸۵ ق.م. درباره دریافت مهر به زن حق حبس اعطا شده است. وزن می تواند تا مهر را شوهر به وی پرداخت ننماید از تمکین خود داری کند و این عدم تمکین مسقط نفقه نمی باشد. البته در صورتی قبلاً تمکین ننموده باشد.

#### ۶- عوامل مانع نفقه

۱-۶- مستندا به ماده ۱۱۰۸ ق.م. نشوز مانع نفقه است یعنی هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت اعم از سکونت مشترک، رابطه جنسی، همکاری در مدیریت و نگهداری خانه امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. جز در مواردی مانند خوف بدنی یا شرافتی در منزل شوهر و در این صورت زوجه مستحق نفقه می باشد. در صورتی زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند زوج باید این امر را در دادگاه اثبات نماید، در صورتی زوج عدم تمکین زوجه را از تکالیف خود اثبات نمود، زوج با تقدیم دادخواست ازدواج مجدد با اخذ اجازه از دادگاه اقدام به ازدواج مجدد نموده و زوجه اولی همچنان بدون نفقه، تحت نکاح زوج قرار دارد. این موضوع تا زمانی که زوجه اقدام به تمکین نماید و یا شوهر وی را طلاق داده و یا اینکه طلاق توافقی بگیرد و یا بعلت عسر و حرج توسط دادگاه طلاق قضایی داده شود ادامه می یابد. در صورتی زوج با اذن دادگاه اقدام به ازدواج مجدد نماید زوجه نمی تواند با استناد ماده ۱۱۱۹ ق.م. و شروط ضمن عقد نکاح و مراتب قید شده در بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ اقدامی را بعمل آورد.

۲-۶- با توجه به اینکه تمکین، حقی است که بر ذمه زوجه می باشد، ولی در در موارد متعددی قانون گذار، صراحتاً و گاهی بصورت ضمنی به زوجه اجازه داده تا از زوج تمکین ننماید تا زمانی که موانع ایجاد عدم تمکین بر طرف شود.

#### ۷- رابطه تمکین و نشوز و ضمانت اجرایی عدم تمکین

در قانون و شرع کشورهای اسلامی یکی از حقوق اساسی مالی که در روابط خانوادگی، زوجه است، واز آن بهره مند می شود، نفقه است. این حق بر عهده زوج می باشد و تکلیفی الزام آور برای وی است؛ یعنی مرد مکلف است نفقه متناسب با شان زوجه را برای زوجه مهیا و در اختیار وی قرار دهد. نفقه عبارت است از پوشاک، خوراک و مسکن و وسائل زندگی که در قانون مدنی از آن تعبیر به اثاث البیت شده و حتی خادم در صورتی زن به آن نیاز داشته باشد و یا در منزل پدری از خادم استفاده کرده باشد. ولی این حق و حقوق در صورتی به زوجه تعلق می گیرد که در زمانی که در عسر و حرج قرار نداشته باشد آماده تمکین خاص و وفق عرف تمکین عام باشد.

هر چند در ازدواج حقوق طرفین، فقط جنبه مالی ندارد، بلکه پیوند و حقوق معنوی زوجین نسبت به یکدیگر بیشتر از جنبه مالی آن است؛ ولی هزینه هایی اداره خانواده بر عهده زوج و تربیت فرزندان از وظایف زوجین است که باید هر دو طرف متحمل آن شوند. مستند به ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی همین که نکاح بطور صحیح واقع شد رابطه زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف آنها مثل مهریه، نفقه؛ و تمکین و دیگر حقوق در مقابل یکدیگر بر قرار می شود. مگر اینکه عدم بر قراری بموجب قانون باشد؛ بنابراین تکلیف مرد در دادن نفقه زن، یک تکلیف یک جانبه است و دارا بودن زن یا عدم دارا بودن وی تأثیری در آن ندارد و زن الزامی ندارد که از اموال شخصی خویش مخارج و مایحتاج زندگی خود را تأمین کند.

#### ۸- اثبات تمکین از طرف زوجه

اگر زن نفقه را مطالبه نماید از جهت بار اثباتی قضیه که چه کسی مدعی یا مدعی علیه است، مطابق مبانی مختلف احکام متفاوتی خواهد داشت. مطابق مبنای اول، رابطه تمکین با نفقه، زن گذشته از رابطه زوجیت باید تمکین خود را نیز اثبات نماید، (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۵) اثبات چنین امری برای زن بسیار مشکل خواهد بود. البته بعضی از فقها معتقدند در جایی که سابقه تمکین وجود داشته باشد، اصل، تحقق تمکین است و مدعی نشوز باید بینه بیاورد. (کرکی، ۱۴۰۸: ج ۱۲، ص ۴۷۷)

## ۹- موانع تمکین

در صورتی با توجه به دلایل شرعی یا عقلی مانند بیماری قرن، رتقا یا هر عیب دیگری که مانع نزدیکی می شود، زن نتواند تمکین کند؛ زوج مکلف به پرداخت نفقه زوجه تا تعیین تکلیف ادامه زندگی می باشد.

## ملاک تعیین نفقه

اکثر فقهای امامیه، وضعیت زن را معیار ملاک تعیین نفقه قرار داده اند. (حلی، ۱۴۰۳ق: ص ۵۷۰؛ حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۱۰۵؛ شهید اول و ثانی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۶۹؛ نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۳۳۰) برخی به پیروی از مشهور فقهای امامیه، وضعیت زوجه را ملاک قرار داده است و آرای دیوان عالی کشور نیز این نظر را تأکید می کند. (ر.ک. صفایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۷۸) حقوقدانان دیگر با توجه به ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده، نگاه به وضعیت اجتماعی طرفین را مد نظر قرار داده و می فرماید:

"هر چند در ماده ۱۱۰۷ ملاک تعیین نفقه تنها وضع زن قرار داده شده است؛ ولی به نظر می رسد که موقعیت و وضع مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد؛ زیرا زن و شوهر پس از نکاح، یک خانواده را تشکیل می دهند و جدای از هم نیستند. بنابر این اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند، حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند. همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده ای ازدواج کند، نمی تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد. از مفاد ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده نیز می توان لزوم توجه به وضع مالی و اجتماعی طرفین را استنباط کرد؛ زیرا به موجب آن دادگاه میزان نفقه ایام عده را، با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین را معین می کند." (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۸)

## ۱۰- امتیازات نفقه زوجه

باستناد ماده ۱۲۰۳ ق.م. نفقه زن بر نفقه اقارب مقدم است نفقه زن در مقایسه با نفقه اقارب و غیر آن دارای ویژگی های خاصی است که بشرح زیر بیان می گردد:

۱-۱۰- یک جانبه بودن نفقه

۲-۱۰- عدم تاثیر فقر و تمکن در نفقه

مطابق ماده ۱۱۹۸ و ۱۱۹۷ ق.م. نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکن مرد نیست، زن حتی اگر ثروتمند باشد می تواند از شوهر نفقه طلب کند. در حالی برای نفقه اقارب، وجوب نفقه از یک طرف، مشروط به فقر نفقه گیرنده است و از طرف دیگر مشروط به تمکن منفق می باشد. لذا اگر شوهر از دادن نفقه زن خودداری نماید، زوجه می تواند از طریق دادگاه وی را ملزم کند و در صورت عدم امکان الزام او به انفاق، مطابق ماده ۱۱۲۹ ق.م؛ و بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده، زن حق دارد از دادگاه تقاضای طلاق نماید. (صفایی، ۱۳۷۴: ص ۱۸۰)

## ۱۱- قابل مطالبه بودن نفقه گذشته

مطابق ماده ۱۲۰۶ ق.م. نفقه زن همانند سایر دیون بر ذمه شوهر است و زن می تواند به دلیل معاوضی بودن نفقه زوجه، نفقه گذشته خود را از شوهر طلب نماید. در حالی که نفقه اقارب همیشه ناظر به آینده است و نسبت به نفقه گذشته، نمی توانند مطالبه ای داشته باشند.

## ۱۲- تناسب با وضع اجتماعی زن

مطابق ماده ۱۱۰۷ ق.م. نفقه زوجه باید متناسب با وضع اجتماعی زن باشد. در حالی که مطابق ماده ۱۲۰۴ ق.م. نفقه اقارب فقط به اندازه رفع حاجت آنان با توجه به توان انفاق کننده می باشد.

### ۱۳- سقوط تکلیف انفاق

#### ۱-۱۳- نشوز زوجه

مانع بودن نشوز از استحقاق نفقه، مورد اتفاق همه فقهای شیعه و اهل سنت است. اما این که نشوز چیست و چه چیزی زن را ناشزه می کند؟ باید تبیین شود. نشوز در لغت شامل سرکشی مرد و زن است؛ اما بیشتر به معنای عدم اطاعت زن از شوهر در مسائلی است که بر اساس زوجیت از نظر شرع و قانون بر عهده زن می باشد. (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۳۱۲) البته هر نوع مخالفت زن از شوهر منجر به ناشزه شدن نمی شود، بلکه ناشزه شدن فقط در اثر مخالفت در اموری است که بر مبنای وظایف زوجیت بر زوجه واجب می باشد.

بنابراین نمی توان هرگونه ناسازگاری یا بدرفتاری از سوی زوجه را موجب نشوز دانست. (محقق داماد، ۱۳۷۴: ص ۹۷) زیرا اگرچه انجام ندادن بعضی احتیاج های شوهر از جمله عدم تهیه غذا عرفاً نوعی بدرفتاری و ناسازگاری شمرده می شود؛ اما از امور واجب بر زوجه نیست. صاحب مسالک می گوید، "دشنام دادن از نشوز و مقدمات نشوز شمرده نمی شود". (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۵۷۱) برای نوع اول احکامی در نظر گرفته اند. صاحب شرایع نوشته است: "هنگامی که نشانه های نشوز از ناحیه زوجه ظاهر شود مثل این که در برخورد ترشرویی کند یا نسبت به نیازهای مرد کسل و بی حال باشد یا این که آدابش را نسبت به مرد تغییر دهد بعد از موعظه، می تواند او را از معاشرت محروم نماید". (حلی، ۱۴۰۳ق: ص ۳۳۸) در ماده ۱۱۰۸ق.م. بیان گردیده: "هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود".

#### ۲-۱۳- ضمانت اجرای مدنی

در ایران برای الزام شوهر به پرداخت نفقه به زوجه، دو نوع ضمانت اجرای مدنی و کیفری وجود دارد که باختصار شرح داده می شود.

#### ۳-۱۳- الزام به پرداخت

در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه که از مصادیق نشوز زوج می باشد، زن می تواند با مراجعه به دادگاه، شوهر را ملزم به پرداخت آن نماید و این مورد اتفاق فقهای امامیه است. (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۲۰۷) ماده ۱۱۱۱ق.م. درباره ضمانت اجرای الزام به پرداخت نفقه بیان می کند: "زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند و در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد".

مطابق ماده ۱۲۰۵ق.م. مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ در صورت غیبت زوج و یا استنکاف وی از پرداخت نفقه زوجه می تواند با اجازه دادگاه بجای نفقه از اموال شوهر اسفاده نماید.

"در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست، ممکن نباشد، دادگاه می تواند با مطالبه افراد واجب النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید".

### ۱۴- عجز زوج

اکثر فقهای شیعه تمکن از نفقه را شرط صحت ازدواج نمی دانند. در مقابل بعضی از فقها از جمله شیخ صدوق، شیخ مفید و ابن زهره به خاطر صدق کفو شرعی، آن را شرط قرار داده اند. (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۱۰۳؛ خویی، ۱۴۱۰: ص ۲۲۸) اما این که در صورت عجز شوهر از پرداخت نفقه حکم مساله چیست؟ برخی از حقوقدانان اظهار می دارند: "چنانچه زوجه با توجه به عدم تمکن مالی شوهر مبادرت به نکاح نماید، بی تردید حق هیچ گونه شکایت و اعتراض نخواهد داشت، زیرا خود به این ضرر اقدام نموده است؛ اما اگر زوج در هنگام ازدواج اظهار تمکن بنماید و پس از آن معلوم گردد که از ادای نفقه از همان اول عاجز

بوده، به نظر می‌رسد داخل در احکام ماده ۱۱۲۸ ق.م. می‌گردد؛ به عبارت دیگر از موارد تدلیس و تخلف وصف است و زوجه حق خیار فسخ خواهد داشت. بنابر این می‌تواند به دادگاه مراجعه نموده و دادگاه نکاح آنان را فسخ نماید". (محقق داماد، ۱۳۷۴: ص ۳۶۶).

«هنگامی که اعسار زوج ثابت شد، زن مخیر بین سه امر است: ۱- فسخ نکاح؛ ۲- زندگی با زوج همراه با تمکین؛ در این صورت ذمه شوهر به اندازه نفقه تا زمانی که مال دار شود واجب می‌شود. ۳- زندگی با زوج بدون تمکین و اینکه بتواند از منزل خارج شود». (نووی، بی تا ج ۱۸، ص ۲۷۲)

#### نتیجه

با توجه به ضمانت اجرای قانونی و شرعی در حقوق ایران، پرداخت نفقه و تمکین لازم و ملزوم همدیگر می‌باشند، یعنی در صورتی نفقه پرداخت نشود تمکینی در کار نیست و در صورت عدم تمکین نفقه ای به زوجه تعلق نمی‌گیرد. البته استثناهایی برای عدم تمکین، از جمله حق حبس و مشکلات شرعی و بیمار را قانون گذار برای زوجه در نظر گرفته، اما در رابطه بالارفتن سن و عدم توانای رابطه جنسی یا همان تمکین خاص و حتی تمکین عام علت پرداخت نفقه زوج به زوجه را معین ننموده، هرچند که دادگاهها بصورت عرفی حکم به پرداخت نفقه علیه زوج وله زوجه صادر می‌نمایند، پس باید نتیجه گرفت که پرداخت نفقه فقط بخاطر تمکین عام یا خاص نیست و منشاء دیگری دارد.

#### فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. احمد ابراهیم: «نظام النفقات فی شریعة الاسلام»، قاهره، ۱۳۴۹ق.
۳. اراکی، محمدعلی: «کتاب النکاح»، قم، نورنگار، چ اول، ۱۳۷۷.
۴. امامی، سید حسن: «حقوق مدنی»، تهران، انتشارات اسلامیة، چ ششم، ۱۳۷۰.
۵. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی): «الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیة»، انتشارات داوری، قم، چ اول، ۱۴۱۰ق.
۶. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی): «مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام»، موسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۶ق.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر: «حقوق خانواده»، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ دوم، ۱۳۷۶.
۸. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله: «مختصر حقوق خانواده»، تهران، نشر دادگستر، چ دوم، ۱۳۷۸.
۹. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله: «حقوق خانواده»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۰. طباطبایی، سید علی: «ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل»، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین: «تفسیر المیزان»، سید محمد باقر همدانی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۳.
۱۲. کرکی، علی بن حسین: «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، «بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن»، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۴. مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، تهران، انتشارات صدرا، چ بیست و یکم، زمستان ۱۳۷۴.
۱۵. نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، المکتبه الاسلامیه، چ دوم، ۱۳۶۶.

# The Role of Wife's Obedience in Alimony Payment

Mohammad Javad Jafari<sup>1</sup>, Ali Pashah Khanizadeh<sup>2</sup>

*1. Assistant Professor, Islamic Azad University, Kermanshah Branch*

*2. PhD candidate of private law, Islamic Azad University, Kermanshah Branch*

---

## Abstract

A major duty of a husband is to provide the cost and livelihood of the family, which is one of the obvious rights of a wife in all circumstances and will end in legal requirements for the husband if he avoids doing that. This will bring the wife an option to decide to continue living with the man in Iranian law. Some jurists argue for alimony while some others consider complementary rules, and the couples can agree on the amount of alimony. This article has analyzed issues such as alimony and its relationship with husband's superiority and wife's obedience, a review of civil law, the basis for obligation to alimony, the cases where alimony is not paid, and the administrative power of alimony.

**Keywords:** wife's obedience (sexual resignation) to husband, marriage, alimony, husband, wife, husband's superiority, divorce, right, duty, administrative power.

---